

مطالعات بختیاری: واج‌شناسی، متن، واژه‌نامه. اریک آنونبی و اشرف اسدی، اوپسالا، انتشارات دانشگاه اوپسالا، ۲۰۱۴، ۲۲۲ صفحه^۱.

کشور ایران با تنوع قومی و زبانی بسیار گسترده، همواره از اهمیت ویژه‌ای برای مطالعات فرهنگی و زبانی برخوردار بوده است اما متأسفانه تحقیقات انجام‌گرفته پیرامون میزان زوال یا بقای گونه‌های زبانی، در بسیاری از موارد، خبر از رو به زوال بودن آنها در آینده‌ای دور یا نزدیک دارد (بشیرنژاد، ۱۳۹۰). از طرفی دیگر، علیرغم تلاش‌های گسترده در مراکز پژوهشی داخل و خارج از کشور، بخش اعظمی از این سرمایه‌های زبانی بدون بررسی باقی مانده و یا نیازمند مطالعه و تحقیق بیشتر است. اریک آنونبی در راستای ثبت و ضبط جنبه‌های مختلف این گنجینه‌های زبانی، با مطالعات خود از سال ۲۰۰۳ بر روی گویش‌ها و زبان‌های رایج در ایران، به‌ویژه گویش‌های جنوب غربی ایران، سرآغاز پروژه‌ای عظیم در مطالعات گویشی را رقم زده است، که بازنمود آن را می‌توان در تدوین وبگاه اطلس زبان‌های ایران^۲ مشاهده کرد، که در زمان نگارش این نوشته، مراحل آغازی و آزمایشی خود را طی می‌کند. همچنین، به تازگی انتشارات دانشگاه اوپسالی سوئد کتابی با عنوان "مطالعات بختیاری: واج‌شناسی، متن، واژه‌نامه" منتشر کرده است که اریک آنونبی و اشرف اسدی، در این کتاب، با نگاهی زبان‌شناختی، به مطالعه و بررسی بخش‌های مختلف زبان بختیاری گونه شهر مسجدسلیمان پرداخته‌اند. نگارندگان این اثر بر این باورند که این پژوهش تلاشی است در جهت پاسخ‌گویی به برخی از سؤالات و ابهاماتی که در کتاب لوریمر^۳ (۱۹۲۲)، درباره بختیاری، مطرح شده و تا به امروز بدون پاسخ مانده است.

بختیاری از زبان‌های جنوب غربی ایران است که در سرزمین بختیاری به آن صحبت می‌شود. این سرزمین منطقه‌ای وسیع از غرب و جنوب غربی کشور را شامل می‌شود که از شمال به شهرستان الیگودرز در استان لرستان، از غرب به رود دز و شهرستان‌های دزفول و

1. Anonby, E. and A. Asadi (2014). "Bakhtiari Studies: Phonology, Text, Lexicon". *Acta Universitatis Upsaliensis. Studia Iranica Upsaliensia* 24, 222. Uppsala: Uppsala Universitet.

2. www.iranatlas.net

3. D. L. R. Lorimer

شوشتر در استان خوزستان، از جنوب به استان کهگیلویه و بویر احمد و از شرق به شهرستان بروجن و شهرکرد در استان چهارمحال و بختیاری، محدود می‌شود (طاهری، ۱۳۸۹: ۱۳). در نگاهی اجمالی، اثر مورد بحث از پنج فصل مجزا تشکیل شده است. فصل اول مقدمه‌ای است بر زبان بختیاری و پیشینه مطالعاتی آن، چگونگی ساختار کتاب و نیز پیکره‌ای که در تحلیل داده‌ها از آن بهره گرفته شده است. فصل دوم، که بیشترین حجم کتاب را به خود اختصاص داده، به واج‌شناسی بختیاری پرداخته است. فصل سوم در بردارنده متنی از یک داستان عامیانه بختیاری است. فصل چهارم به ساختار فعل اختصاص دارد و در نهایت قبل از منابع، واژه‌نامه‌ای ۱۵۰۰ کلمه‌ای آمده است. در ادامه، هریک از فصل‌های کتاب به صورت مجزا معرفی خواهند شد.

مقدمه، عنوان فصل نخست است که در چهار زیربخش آمده است. در ابتدا به طور مختصر به قوم بختیاری و شاخصه‌های اصلی سبک زندگی آنها، اعم از صنایع دستی و سلسله‌مراتب ایلی اشاره شده است. در ادامه، زیر تأثیر قرار گرفتن زبان بختیاری، در اثر همنشینی با زبان فارسی در حوزه آموزش و برخی حوزه‌های رسمی، و از طرفی دیگر، آگاهی روزافزون گویشوران بختیاری نسبت به ارزش این زبان و باز نمود این مسئله در استقبال گویشوران از فرهنگ بختیاری، نکاتی هستند که مورد بحث قرار گرفته‌اند. سپس به اختصار، به پیشینه مطالعاتی انجام‌شده از سال ۱۹۱۰، از اولین اثر به قلم اُسکار مان^۱ (۱۹۱۰) پیرامون بختیاری، تا آثار و نیز پیکره مورد استفاده در تحقیق پرداخته شده است.

عنوان فصل دوم واج‌شناسی بختیاری است. نویسندگان در مقدمه‌ای به دو اثر شاخص پیرامون واج‌شناسی بختیاری، یعنی لوریمر (۱۹۲۲) و ویندفور^۲ (۱۹۸۸) می‌پردازند و کاستی و نقاط قوت هریک را مطرح می‌کنند. به طور کلی، این قسمت اشاره به این نکته دارد که بررسی‌های انجام‌شده در مورد واج‌شناسی بختیاری، که تاکنون انجام گرفته، متأثر است از نخستین اثر، یعنی لوریمر (۱۹۲۲)، که چنین اثری علیرغم جنبه‌های ارزشمند آن به قبل از شروع مطالعات زبان‌شناختی نوین باز می‌گردد.

در ادامه، بخش ۲.۲، به همخوان‌های زبان بختیاری اختصاص دارد. فهرست همخوان‌ها، تفاوت کلی آنها با همخوان‌های فارسی، توزیع و تقابل همخوان‌ها و همچنین نمود آوایی آنها

1. O. Mann
2. G. Windfuhr

زیربخش‌های مختلفی هستند که در این بخش آمده‌اند. در مجموع، تعداد همخوان‌های زبان بختیاری ۲۳ واج در نظر گرفته شده است، که اگرچه تعداد آنها با همخوان‌های فارسی یکی است، اما تفاوت عمده آنها در نبود واج انسدادی چاکنایی /ʔ/ و حضور انسدادی ملازی واک‌دار /G/ است، که به‌عنوان واج مجزا در نظر گرفته شده است. سپس چنین استدلال می‌کنند که از شواهد نبود انسدادی چاکنایی در بختیاری، حذف آن و نیز گاهی جانشین‌شدن آن با همخوان /h/ در واژه‌هایی است که به صورت قرضی از فارسی وارد این زبان شده‌اند. همچنین در ادامه، از دیگر موارد قابل ذکر در مقایسه همخوان‌های فارسی و بختیاری، ارتباط نسبی بین دو همخوان /x/ و /h/ و همچنین /b/ و /v/ است که در برخی موارد، در بختیاری دو واج /x/ و /b/ حفظ می‌شوند و گاه به‌ترتیب، /h/ و /v/ جایگزین آن‌ها می‌شوند. نکته دیگر، تأکید بر حضور همخوان سایشی لثوی - کامی واک‌دار /ʒ/ است، که در بسیاری از زبان‌های جنوب غربی ایران تاکنون گزارش نشده است و پیش‌تر شواهد حضور آن، به‌عنوان یک واج، در لری شمالی و دیگر زبان‌های شمالی ایران تأیید شده بود. در ادامه، در زیرعنوان توزیع و تقابل همخوان‌ها، به این نکته اشاره می‌شود که همه همخوان‌های بختیاری در هر سه جایگاه ابتدای واژه، انتهای واژه و جایگاه بین‌واکه‌ای نیز قرار می‌گیرند. سپس به خوشه‌های همخوانی اشاره شده است. در خوشه‌های همخوانی، بختیاری همانند فارسی عمل می‌کند و خوشه همخوانی آغازی ندارد و در قسمت پایانه^۲ نیز تنها دو همخوان قرار می‌گیرند. اگرچه شواهدی از حضور سه همخوان نیز ارائه شده است. در نخستین جایگاه از پایانه دو همخوانی، بیشتر تمایل به حضور یک همخوان رساست. به همین دلیل، در خوشه‌های پایانی هجا، در مقایسه با فارسی، فرایند قلب^۳ بسیار رایج است، که بر اساس آن، جایگاه دو همخوان تغییر می‌کند تا خوشه همخوانی به سمت رعایت‌کردن اصل رسایی^۴ حرکت کند. نویسندگان در زیربخشی با عنوان همخوان‌های مشدد^۵، بسامد رخداد این نوع همخوان‌ها را در بختیاری کمتر از فارسی می‌دانند، حتی در بسیاری از واژه‌های فارسی، که همخوان مشدد وجود دارد، معادل آن در بختیاری فاقد تشدید است. در ادامه، در زیرعنوان نمود آوایی همخوان‌ها، با ارائه جدول، کلیه واج‌گونه‌های هریک از ۲۳

۱. این واج در کتاب مورد بحث به صورت /g̃/ نمایش داده شده است.

2. coda
3. metathesis
4. sonority principle
5. geminate

همخوان با مثال آورده شده‌اند. از موارد مورد بحث، همخوان انسدادی لثوی واکدار /d/ است که دارای واج‌گونه بسیار پرکاربرد تقریبی آن یعنی [ḏ] است. در این بخش به این نکته اشاره می‌شود که شواهد چندان مستدلی در دو واج مجزا بودن این دو وجود ندارد و [d] و [ḏ] را باید دو واج‌گونه /d/ در نظر گرفت.

بخش ۲.۳، به واکه‌ها اختصاص دارد. فهرست واکه‌ها، مانند فارسی، ۶ مورد (و به لحاظ کیفی نیز تقریباً مشابه) در نظر گرفته شده است، که علیرغم این شباهت‌ها، به لحاظ نمود آوایی و توزیع آنها با فهرست واکه‌های فارسی تفاوت‌های اساسی دارد. از جمله این تفاوت‌ها می‌توان به این موارد اشاره کرد: نخست، رخداد دو واکهٔ پسین میانی /o/ و پیشین افتادهٔ /a/ محدودیت کمتری در جایگاه پایان واژه نسبت به همتاهای فارسی خود دارد. دوم اینکه، توالی واکه‌ای در بختیاری، به نسبت، بسامد رخداد بالا و همچنین تنوع بیشتری دارد. سوم اینکه، برخلاف زبان فارسی میانه و فارسی نو آغازی یا دری^۱، بختیاری در طول تطور خود واکه‌های بلند میانی /ē/ و /ō/ را حفظ نکرده است و آنها تبدیل به توالی واکه - غلت /ye/ و /vo/ شده‌اند. چهارم، واکه‌های خیشومی شده‌اند، که بسامد آنها در گویش بختیاری مورد مطالعه، بسیار برجسته است. در ادامه، زیربخش توزیع و تقابل واکه‌ای، به توزیع واکه‌ها در جایگاه‌های مختلف و همچنین محدودیت‌هایی که در رخداد آنها وجود دارد اختصاص یافته است. سپس توالی واکه‌ای در درون تکواژ و نیز مرز تکواژها مورد تأکید قرار گرفته است. در توجیه توالی واکه‌ای آمده است که تکیه بر روی جزء دوم قرار دارد، در حالی که اگر توالی به صورت واکه - همخوان باشد جایگاه تکیه باید بر روی جزء نخست قرار گیرد. اما از طرفی دیگر، از آنجا که توالی دو واکه در گفتار تأکیدی یا رسمی، با درج غلت /h/ همراه است، شاید بتوان چنین در نظر گرفت که در ساخت زیرین، /h/ بین دو واکه قرار دارد. در زیرعنوانی دیگر، دو واکهٔ بلند میانی /ē/ و /ō/ به بحث گذاشته شده‌اند. نگارندگان این کتاب، برخلاف لوریمر (۱۹۲۲)، ویندفور (۱۹۸۸) و طاهری (۱۳۸۹)، این دو را به‌عنوان توالی واکه - همخوان و نه به‌عنوان دو واج مجزا در نظر گرفته‌اند، هرچند که این دو واج مجزا هنوز در بسیاری از زبان‌های امروزی، از جمله بلوچی، کردی و کومزاری^۲، حفظ شده‌اند. سپس در زیرعنوانی دیگر، به سایر واکه‌های مرکب و توالی واکه - غلت اشاره شده است.

1. Early New Persian
2. Kumzari

زیربخش ۲.۳.۶، به تغییرات واکه‌ای، از نوع کشش^۱ و خیشومی‌شدگی، اشاره می‌کند. اگرچه کوتاه یا بلندبودن واکه تمایز آوایی ایجاد می‌کند اما این تمایز بیشتر تفاوت در کیفیت است. از این‌رو این نوع افزایش در مدت‌زمان تولید مانند نظام واکه‌ای فارسی تمایزدهنده معنایی نیست. همچنین، خیشومی‌شدگی به‌عنوان نمودی آوایی از /n/ در بافت‌های مشخصی در نظر گرفته شده است. زیربخش ۲.۳.۷، به نمود آوایی واکه‌ها اختصاص دارد. در بختیاری، نمود آوایی واکه‌ها پایدار و ثابت است و تنوع زیادی در کیفیت آنها دیده نمی‌شود. زیربخش ۲.۴، به بحث هجا مربوط می‌شود. در بختیاری هجاهای V, VC, VCC, CV, CVCC, CVCCC و CVCCC به‌عنوان هجاهای ممکن این زبان در نظر گرفته شده‌اند. از مجموع این هجاها تنها ساخت هجایی پایانی، یعنی CVCCC است که در یک کلمه مجزا به‌کار نمی‌رود. زیربخش ۲.۵، به طور مختصر، به دو عنصر نوایی تکیه و آهنگ اختصاص دارد. در ابتدا به این نکته اشاره می‌شود که تکیه در بختیاری با کشش و بلندی^۲ بیشتر و نیز زیرومی بالا همراه است و جایگاه آن بر روی آخرین هجا از کلمات قاموسی (فعل، اسم، صفت و قید) قرار دارد. پیرامون آهنگ، جملات خبری با آهنگ افتان نمود پیدا می‌کنند و عنصر برجسته در پاره‌گفتار با افزایش زیرومی همراه است. عبارات امری نیز با گرایش به تنزل^۳ همراه‌اند. منحنی زیرومی در پرسشی‌های آری‌انه، برخلاف دو عبارت قبلی یعنی خبری و امری، با سیر صعودی در طول عبارت همراه است، که در پایان نیز با افزایش ناگهانی نمود پیدا می‌کند. سؤالی‌های پرسشواژه‌ای و عبارت تأکیدی با افزایش زیرومی بر روی پرسشواژه و عنصر تأکیدی تظاهر پیدا می‌کنند و سپس منحنی، تا پایان عبارت، با تنزل تدریجی همراه است. نکاتی که در این بخش پیرامون تکیه و آهنگ اشاره شد شباهت بسیاری با رخداد این پدیده‌های نوایی در فارسی معیار (سادات‌تهرانی، ۲۰۰۷) دارد. در نهایت، بخش ۲.۶، به فرایندهای واژ - واجی اختصاص دارد. در ابتدا، فهرستی از انواع وندهای زایای رایج در بختیاری فهرست شده‌اند، سپس به فرایند همگونی اشاره شده است.

عنوان فصل سوم، متنی از بختیاری است. در این فصل، داستانی عامیانه به نام "شب‌نشینی حیوانات" (šavnešini hayvenoun) آمده است. از آنجا که پیکره متنی می‌تواند نقش مهمی در شناسایی ساخت‌های زبانی، از جمله فرایندهای واجی، داشته باشد، از این متن

1. length
2. loudness
3. declination

به‌عنوان منبعی برای توصیفِ واجی استفاده شده است. اما قبل از متنِ داستان، در بخش ۳.۱، مهم‌ترین نکاتِ دستوریِ برگرفته از این پیکره نیز آمده است. از جمله، نخست اینکه نشان‌گذاریِ معرفگی^۱ (اسم عام^۲، معرفه و نکره)، برخلاف دیگر زبان‌های ایرانی جنوب غربی، نه تنها برای مفعولِ مستقیم بلکه برای اسم در نقش‌های نحویِ دیگر نیز رخ می‌دهد. در ادامه، دو نکته پیرامون ساختواژه و نحو فعل در زبان بختیاری مورد اشاره قرار می‌گیرند: اول اینکه بین صورت کوتاه و بلند فعلِ گذشته سوم شخصِ مفرد تمایز وجود دارد. دومین نکته اینکه، در صورت ماضی بعید^۳ فعل، برخلاف زبان فارسی (که فعل کمکی "بودن" صرف می‌شود)، فعل اصلی صرف می‌شود. آخرین مبحث پیش از داستان عامیانه به ساختِ گفتمانی متن اشاره دارد. عنوانِ فصل چهارم ساختواژه فعل است. این فصل، تحلیلی است بر پایه ۳۲ فعلِ مورد استفاده در زبان بختیاری. در زیربخش ۴.۱، پیرامون تفاوت‌ها و شباهت‌های صوری بین فعل در بختیاری و فارسی بحث شده است. از جمله تفاوت‌ها اینکه در بسیاری از موارد، که زبان فارسی از فعل مرکب استفاده می‌کند، بختیاری همتای ساده آن را مورد استفاده قرار می‌دهد. در ادامه، در زیربخش ۴.۲، برخی از نکاتِ برجسته پیرامون ساختواژه فعل در بختیاری مورد بحث قرار می‌گیرند و هریک به اختصار توضیح داده می‌شوند.

در ادامه، در بخش ۴.۳، جدولِ تصریفِ ۳۲ فعل در بختیاری، یعنی صورت‌های زمان گذشته، حال، التزامی و امری آمده است. همچنین در ابتدای هر جدول توضیحاتی پیرامون ساختواژه تک‌تک آنها داده شده است.

آخرین فصل کتاب، واژه‌نامه بختیاری است. این فصل فهرستی است از ۱۵۰۰ واژه بختیاری که، با قدری تعدیل، بر مبنای فهرست تطبیقی اِشنایدر^۴ و رابرتز^۵ (۲۰۰۴)، پایه‌گذاری شده است. این فهرست، در ۶۱ صفحه، به لحاظ معنایی و براساس دوازده مقوله مختلف مرتب شده است.

بخش‌های پیشین این نوشته، به معرفی اثری اختصاص یافته که با نگاهی زبان‌شناختی و با تکیه بر شمّ زبانی گویشور بومی (نویسنده دوم)، به مطالعه و بررسی جنبه‌هایی از زبان بختیاری

1. definiteness
2. generic
3. pluperfect
4. K. snider
5. J. Roberts

گونه شهر مسجدسلیمان پرداخته است. نکات زیر از دید نگارنده این سطور پیرامون این کتاب قابل ذکر است:

الف: نویسندگان در تحلیل داده‌های گردآوری شده نگاهی عینی و واقع‌گرایانه دارند.
ب: مقایسه جنبه‌هایی از گونه مورد مطالعه با دیگر گونه‌های زبانی در این رده^۱، یعنی زبان‌های جنوب غربی ایران، مورد توجه نویسندگان کتاب قرار گرفته است.
پ: نویسندگان در برخی از تحلیل‌ها بر نگاهی هم‌زمانی در کنار نگاهی در زمانی تاکید دارند.

ت: دیکسون^۲ (۲۰۰۹)، دستور یک زبان را به مثابه نظامی یکپارچه در نظر گرفته است و با استناد به نگرش کل‌گرایانه سوسور، درک عمیق و کامل دستور یک زبان را تنها با بررسی کلیه جنبه‌های آن یعنی واج‌شناسی، ساختواژه و نحو میسر می‌داند. چنین رویکردی، از تأثیر تک‌تک اجزای نظام زبانی (واج‌شناسی، ساختواژه و ...) بر روی دیگر اجزای آن و نیز کل نظام زبانی ناشی می‌شود، که مطالعه هر بخش می‌تواند یافته‌هایی برای دیگر حوزه‌های زبانی داشته باشد. دو مورد از یافته‌های واج‌شناختی در کتاب مورد بحث (صفحه ۱۲۴)، در حین بررسی ساختواژی فعل در زبان بختیاری، خود شاهدهی است بر ادعای دیکسون (۲۰۰۹) که قابل تأمل است. به نظر می‌رسد در کتاب مذکور، تا حدودی خلاء چنین نگاهی احساس می‌شود و شاید بهتر بود که بررسی ساخت جمله در کنار جنبه‌های واج‌شناختی و ساختواژی نیز انجام می‌گرفت.

در پایان می‌توان گفت که این قبیل کارهای ارزشمند بر روی زبان‌های ایرانی، نه تنها گام‌هایی هستند در جهت ثبت و ضبط گونه‌های زبانی‌هایی که شاید هنوز نگاه قابل توجهی به آنها نشده است، بلکه می‌توان با استفاده از یافته‌های این مطالعات برای بسیاری از پدیده‌های زبان‌شناختی فارسی معیار، که تاکنون بر روی آنها اجماع کلی وجود ندارد، شواهدی مستدل ارائه کرد. یکی از این موارد مورد مناقشه، بحث همخوان انسدادی چاکنایی و آوای مرکب در فارسی است که به نظر می‌رسد هنوز اتفاق نظری بر روی آنها در فارسی وجود ندارد. شایسته و بایسته است تا با نگاهی عمیق‌تر به گونه‌های مختلف زبان‌های ایرانی، نه تنها در مسیر بالندگی زبان فارسی معیار گام برداریم، بلکه به اعتلا و غنی‌تر شدن آن نیز کمک کنیم.

1. type

2. R. M. W. Dixon

کتاب "مطالعات بختیاری: واج‌شناسی، متن، واژه‌نامه" منبعی بسیار مفید و ارزنده برای علاقه‌مندان به گویش بختیاری و نیز محققانی است که در زمینه گویش‌شناسی، رده‌شناسی، صرف و واج‌شناسی زبان‌های ایرانی فعالیت می‌کنند. امید است در آینده شاهد انجام پژوهش‌هایی از این دست، با بهره‌گیری از داده‌های گویشی باشیم.

مرتضی طاهری اردلی

دانشجوی دکتری زبان‌شناسی
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

منابع

بشیرنژاد، حسن (۱۳۹۰). مرگ زبانی: مبحثی در جامعه‌شناسی زبان. آمل: انتشارات شمال پایدار.
طاهری، اسفندیار (۱۳۸۹). گویش بختیاری کوه‌رنگ. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

- Dixon, R. M. W. (2009). *Basic Linguistic Theory Volume 1: Methodology*. Oxford: Oxford University Press.
- Lorimer, David L. R. (1922). *The phonology of the Bakhtiari, Badakhshani, and Madaglashti dialects of modern Persian, with vocabularies*. London: Royal Asiatic Society. Online address: <http://ia600307.us.archive.org/18/items/phonologyofbakht06loriuoft/phonologyofbakht06loriuoft.pdf>
- Mann, O. (1910). *Die Mundarten der Lur Stämme im Südwestlichen Persien*. Berlin: Georg Reimer.
- Sadat-Tehrani, N. (2007). *The Intonational Grammar of Persian*. PhD dissertation, Manitoba: University of Manitoba.
- Snider, K. and J. Roberts (2004). "SIL comparative African word list. (SILCAWL)". *Journal of West African languages*, 31. 2, 73–122.
- Windfuhr, G. (1988). "Baḳtīārī tribe: The Baḳtīārī dialect". *Encyclopædia Iranica*, 3. 5, 553–60. New York: Center for Iranian Studies, Columbia University. Online address: <http://www.iranicaonline.org/articles/bakhtiari-tribe#pt2>.